

# دانش متدین

ماهنامه علمی - اطلاع رسانی

سال چهارم، شماره ۳۷، مهرماه ۱۴۰۰



# الدعوات

## ماهنامه علمی - اطلاع رسانی دانش مستدام

شماره پروانه انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۸۱۹۷۰  
سال چهارم، شماره ۲۷، مهر ماه ۱۴۰۰



مشاهده شماره‌های پیشین نشریه

نقل مطالب با ذکر منبع و حفظ حقوق مادی و معنوی نویسندگان مجاز است.

صاحب امتیاز: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قم  
مدیرمسئول: دکتر ابوالفضل ایرانی خواه  
سر دبیر: دکتر اکرم حیدری  
امور اجرایی: محمد سالم  
ویراستار: حورا خمسه  
طراحی و صفحه آرایی: فاطمه سادات حسینی

ماهنامه «دانش سلامت و دین» ضمن استقبال از نقدها و پیشنهادهای شما،  
آمادگی دارد مطالب ارسالی را منتشر نماید.

info@muq.ac.ir

۰۲۵-۳۷۷۷۸۳۳

### سخن آغازین

۴..... ستایش خدا و مدح پیامبر ﷺ و پند و اندرز.....

### سلامت در قرآن

۵..... نقش خشیت از خداوند در ارتقای سلامت معنوی.....  
محمود شکوهی تبار

### سلامت در احادیث

۷..... اعتبارسنجی روایات وسیله مسواک زدن.....  
محمود شکوهی تبار

### فقه سلامت

۱۲..... قاعده «اضطرار» ۲.....  
احمد مشکوری

### اخلاق سلامت

۱۴..... باطل.....  
محسن رضایی آدریانی

۱۶..... مارا چنین بیمار مگذار!.....  
محسن رضایی آدریانی

### فلسفه سلامت

۱۸..... سلامت و بیماری.....  
صادق یوسفی

### معرفی کتاب

۲۰..... فقه درمان.....

### زلل سلامت

۲۱..... امشب.....



## راهنمای نویسندگان

- مقالات در قالب فایل Word و با رعایت قواعد نگارش علمی تهیه و ارسال شوند.

منابع مورد استفاده با نوشتن نام خانوادگی نویسنده / نویسندگان و سال انتشار در داخل کمان به صورت درون‌متنی آورده شود و فهرست منابع در پایان مقاله به صورت الفبایی و به ترتیب منابع فارسی و منابع انگلیسی ذکر شود و چنانچه قرآن کریم جزو منابع مقاله بود، به‌عنوان نخستین منبع در بخش منابع نوشته شود. ارجاع درون‌متنی برای یک نویسنده (سهرابی، ۱۳۹۵)، برای دو نویسنده (امیری و کاتبی، ۱۳۸۹)، برای بیش از دو نویسنده (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۲)، و در مواردی که به یک سازمان به عنوان نویسنده سند، ارجاع داده می‌شود، (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴) نوشته شود. در انتهای مقاله نیز منابع در قالب زیر آورده شوند:

- (کتاب، مقاله، پایان‌نامه): نام خانوادگی نام (همه نویسندگان). عنوان مقاله / کتاب / پایان‌نامه، عنوان مجله، سال انتشار، شماره و دوره، شماره صفحات.

- (صفحات وب): نام خانوادگی نام (همه نویسندگان)، عنوان متن، نشانی صفحه (URL)، تاریخ دسترسی.

- مقالات دریافتی توسط سردبیر و هیأت تحریریه نشریه

بررسی شده و نتیجه بررسی به نویسنده مسؤؤل اعلام خواهد شد.

- انتشار تمام یا بخشی از مقالات مرتبط که در دیگر مجلات داخلی یا خارجی به چاپ رسیده باشد، با رعایت شرایط اخلاقی و حقوقی، بلامانع است.

- نشریه در پذیرش و ویرایش مطالب، آزاد است.

رایانامه hrj@muq.ac.ir

نشریه دانش سلامت و دین، ماهنامه علمی - اطلاع‌رسانی است که با هدف گسترش مباحث مشترک حوزه سلامت و دین، به صورت الکترونیکی منتشر می‌شود. جامعه هدف این نشریه را اعضای جامعه علوم پزشکی کشور تشکیل می‌دهند. این نشریه آمادگی دارد مطالب ارسالی اندیشمندان، پژوهشگران و صاحب‌نظران محترم را بررسی و در صورت انطباق با معیارهای مورد نظر، اعم از معیارهای شکلی و محتوایی، منتشر نماید. محتوای نشریه مبتنی بر موضوعات مشترک حوزه سلامت و دین، همانند سلامت در قرآن، سلامت در احادیث، فقه سلامت، اخلاق سلامت و فلسفه سلامت است. افزون بر این، مقالات مرتبط با عنوان نشریه که خارج از موضوعات اشاره شده باشند؛ همانند سبک زندگی سالم و تمدن نوین اسلامی نیز، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. لازم است مقالات شامل موارد زیر باشند :

- عنوان، نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی و وابستگی سازمانی نویسنده / نویسندگان، شماره تماس و رایانامه نویسنده مسئول، متن مقاله، منابع و چند جمله مهم برگزیده از متن.

- توصیه می‌شود در هنگام ارسال مقاله، مشخص شود مربوط به کدام یک از موضوعات نشریه است. مقالات حداکثر در سه صفحه تنظیم شده باشد. مقالات طولانی‌تر نیز، چنانچه قابلیت انتشار در دو یا چند شماره پیاپی را داشته باشند، مورد بررسی قرار خواهند گرفت..

- مسئولیت محتوای مطالب نشریه بر عهده نویسندگان بوده و پاسخگویی به نویسندگان همکار با نویسنده مسئول است.



## ستایش خدا و مدح پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

### و پند و اندرز

سپاس خدایی را که آثار سلطنت و بزرگی کبریایی اش را چندان آشکار کرد که دیده‌ها را از عجایب قدرتش متحیر کرد و مانع از اندیشه‌های دورپرواز انسان‌ها از شناخت حقیقت صفاتش شد.

بر اساس ایمان و یقین و اخلاص و اعتقاد شهادت می‌دهم که معبودی جز الله نیست و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست. او را فرستاد، درحالی که نشانه‌های هدایت کهنه شده و راه روشن دین به نابودی رسیده بود. حق را آشکار کرد، خلق را خیرخواهی کرد، به طریق صواب رهنمون شد و به میانه‌روی فرمان داد. درود و سلام خدا بر او و آل او باد.

بندگان خدا! بدانید خداوند شما را بیهوده و باطل نیافرید و سرخود و آزاد رها نکرد. اندازه نعمتش را بر شما می‌داند و احسانش را به شما به شماره آورده است. از او پیروزی و رستگاری و روا شدن حاجت بخواهید و عطا و بخشش درخواست کنید که بین شما و او حجابی نیست و به روی شما از دیدار او دری بسته نشده است. او در هر مکانی حاضر و در هر وقت و زمانی موجود و با هر انس و جنی همراه است. عطایش بر او رخنه وارد نمی‌آورد و جودش از او نمی‌کاهد. گدایی گدا نعمتش را پایان نمی‌دهد و بذل و بخشش، خزانتش را به آخر نمی‌رساند و کسی او را از توجه به دیگری باز نمی‌دارد و صدایی او را از صدای دیگر غافل نمی‌کند و عطایش به کسی مانع سلب عطا از دیگری نمی‌گردد و غضبش او را از رحمتش باز نمی‌دارد و رحمتش بر کسی او را از

کیفر دیگری غافل نمی‌کند. نهان بودنش او را از آشکاری اش نمی‌پوشاند و آشکار بودنش وی را از پنهانی اش قطع نمی‌نماید. در عین نزدیکی دور است و در عین بلندی نزدیک و در عین آشکار بودن نهان و در عین نهان بودن آشکار. جزا دهد و جزا داده نشود. از روی اندیشه و فکر کردن موجودات را نیافرید و به خاطر رنج و خستگی از آنان یاری نجست.

ای بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم؛ زیرا تقوا زمام و قوام حیات است. به ریشه‌های محکم آن تمسک جویند و به حقایق آن چنگ زنید تا شما را به مکان‌های راحت و محل‌های وسیع و حصارهای محفوظ و منازل عزت برساند؛ آن‌هم در روزی که چشم‌ها در آن خیره می‌شود و همه‌جا در برابرش به تاریکی فرو می‌رود و گله‌های شترهای آبستن (که اموال پربهایند) بی‌صاحب می‌ماند و در صور دمیده می‌شود. آن وقت هر روحی از بدن درآید و هر زبانی لال شود و کوه‌های بلند و صخره‌های پابرجا درهم ریزند و جای آن‌ها را سراب مواج و درخشان گیرد و آثار و بناها چون زمینی نرم و هموار شود. آن روز نه شفיעی است که شفاعت نماید و نه خویشی که دفع رنج کند و نه عذر و بهانه‌ای که سود بخشد.

منبع:

نهج البلاغه. خطبه ۱۸۶، ترجمه حسین انصاریان، <https://www.erfan.ir/farsi/nahj1-186> دسترسی در تاریخ 1400/5/26

## نقش خشیت از خداوند در ارتقای سلامت معنوی

محمود شکوهی تبار  
دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم  
shokouhi@muq.ac.ir

(طباطبایی. ۱۴۱۷ ق: ۳۴۰/۲۰).

برخی آیات نیز با ایجاد خشیت، انسان را از کفر بازمی‌دارند. در سوره مبارکه نوح، حضرت نوح علیه السلام خطاب به قوم خود می‌فرماید: «مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا (نوح: ۱۳)؛ چرا شما برای خدا عظمت قائل نیستید؟!». طبرسی در تفسیر این آیه می‌نویسد: منظور از نداشتن رجاء، داشتن خوف است؛ چون بین این دو ملازمه است و معنای آیه این است که چه سبب و علتی برای شما حاصل شده که به عظمت خدا معتقد نمی‌شوید و یا از عظمت خدا نمی‌ترسید و این ترسیدن باعث شده است که او را عبادت نکنید؟ (طبرسی. ۱۳۷۲: ۵۴۳/۱۰) و در ادامه، آیات ضمن یادآوری خلقت مرحله به مرحله انسان و کیفیت خلقت آسمان‌ها و زمین و گیاهان و مرگ و نشور انسان، عظمت خداوند را یادآوری کرده‌اند: «وَ قَدْ خَلَقْنَاكُمْ أَطْوَارًا \* أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا \* وَ جَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَ جَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا \* وَ اللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا \* ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَ يُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا \* وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بَسَاطًا \* لَتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا (نوح: ۱۴-۲۰)؛ در حالی که شما را در مراحل مختلف آفرید (تا از نطفه به انسان کامل رسیدید)! آیا نمی‌دانید چگونه خداوند هفت آسمان را یکی بالای دیگری آفریده است، و ماه را در میان آسمان‌ها مایه روشنایی و خورشید را چراغ فروزانی قرار داده است؟! و خداوند شما را همچون گیاهی از زمین رویانید، سپس شما را به همان زمین بازمی‌گرداند و بار دیگر شما را خارج می‌سازد! و خداوند زمین را برای شما

از راهکارهای ارتقای سلامت معنوی، خشیت در برابر خداوند است. «خشیت» به معنی ترس ناشی از علم و معرفت به بزرگی و عظمت چیزی است که از او ترسیده می‌شود (راغب اصفهانی. ۱۴۱۲ ق: ۲۸۳؛ میلانی. ۱۴۲۴ ق: ۳۳۲/۱؛ طیب حسینی. ۱۳۹۲: ۱۳). مواجه شدن با قدرت و عظمت خدای متعالی و ویژگی‌های منحصر به فرد این قدرت و همچنین آگاهی از اینکه صاحب چنین قدرتی ناظر بر اعمال است، مخالفت با خواست و هنجارهای وضع شده از سوی او را در نگاه فرد، به گزینه مرجوح و اجابت این خواست و همنوایی با این هنجارها را به گزینه راجح بدل می‌کند. آیات مختلفی به کاربرد این راهکار در تنظیم ارزش‌ها، باورها و رفتارهای انسان توجه داده است.

برخی آیات خشیت را راه رسیدن به مقام رضای الهی و بهشتی شدن دانسته‌اند. در سوره بینه می‌خوانیم: «جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عِدْنُ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ (بینه: ۸)؛ پاداش آن‌ها نزد پروردگارشان باغ‌های بهشت جاویدان است که نه‌رها از زیر درختانش جاری است؛ همیشه در آن می‌مانند! (هم) خدا از آن‌ها خشنود است و (هم) آن‌ها از خدا خشنودند؛ و این (مقام والا) برای کسی است که از پروردگارش خشیت داشته باشد!» علامه طباطبایی در توضیح این آیه می‌فرماید: این جمله، علامت بهشتیان و آنان که به سعادت آخرت می‌رسند را بیان می‌کند. علامت «خیر البریه» و آن‌هایی که به جنات عدن می‌رسند این است که از پروردگار خود خشیت دارند

فرش گسترده‌ای قرار داد تا از راه‌های وسیع و دره‌های آن بگذرید (و به هر جا می‌خواهید، بروید)!

بر اساس آیات قرآن، مؤمنان سزاوارند که تنها از خداوند خشیت پیشه کنند: «... أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (توبه: ۱۳)؛ آیا از آن‌ها می‌ترسید؟! با اینکه خداوند سزاوارتر است که از او بترسید، اگر مؤمن هستید!». قرآن توصیه می‌کند که مؤمنان نباید از کفار خشیت داشته باشند: «...فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اَخْشَوْنِي...» (بقره: ۱۵۰).

طبق آیات قرآن، اهل خشیت در زمره کسانی‌اند که امید هدایت شدنشان وجود دارد: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُتَّقِينَ (توبه: ۱۸)؛ مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و نماز را برپا دارد و زکات را پردازد و جز از خدا نترسد؛ امید است چنین گروهی از هدایت‌یافتگان باشند».

قرآن، ذکر و یادکردی برای اهل خشیت است: «مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى إِلَّا تَذَكُّرَةً لِمَنْ يَخْشَى (طه: ۲-۳)؛ ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بیفکنی! آن را تنها برای یادآوری کسانی که (از خدا) می‌ترسند نازل ساختیم».

طبق آیه ۲۳ سوره زمر کسانی که از پروردگارشان خشیت دارند، در اوج آمادگی برای اثرپذیری از قرآن‌اند: «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُثَابِهًا مَّثَانِي تَقْشَعْرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ...؛ خداوند بهترین سخن را نازل کرده، کتابی که آیاتش (در لطف و زیبایی و عمق و محتوا) همانند یکدیگر است؛ آیاتی مکرر دارد (با تکراری شوق‌انگیز) که از شنیدن آیاتش لرزه بر اندام کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند، می‌افتد. سپس برون و درونشان نرم و متوجه ذکر خدا می‌شود».

قرآن کریم می‌فرماید: این اهل خشیت‌اند که تذکار رسول خدا را می‌پذیرند: «سَيَذَكُرُ مَنْ يَخْشَى (اعلی: ۱۰)؛ و به‌زودی کسی که از خدا خشیت دارد، متذکر می‌شود».

آیات وحی تذکر می‌دهند که آموزش و پاداشی

بزرگ نصیب اهل خشیت خواهد شد: «إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ كَبِيرٌ (ملک: ۱۲)؛ کسانی که از پروردگارشان در نهان می‌ترسند، مسلماً آموزش و پاداش بزرگی دارند!».

قرآن یادآور می‌شود که خشیت‌کنندگان رستگار می‌شوند: «وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَخْشِ اللَّهَ وَ يَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (نور: ۵۲)؛ و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند و از خدا بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد، چنین کسانی همان پیروزمندان واقعی هستند!».

در روایات نیز خشیت از خداوند نجات‌دهنده از آتش و وسیله رحمت معرفی شده و به آن دعوت شده است. شیخ صدوق رحمته در کتاب من لایحضره الفقیه آورده است: «وَ رُوِيَ أَنَّهُ مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ كَيْلٌ أَوْ وَ زَنْ إِلَّا الْبُكَاءَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنَّ الْقَطْرَةَ مِنْهُ تُطْفِئُ بَحَارًا مِنَ النَّيِّرَانِ وَ لَوْ أَنَّ بَاكِيًا بَكَى فِي أُمَّةٍ لُرَحِمُوا (صدوق. ۱۴۱۳ ق: ۱/۳۱۷)؛ و روایت کرده‌اند که هیچ چیز نیست، مگر اینکه برای اندازه‌گیری و ارزشیابی آن پیمان‌ها یا میزانی وجود دارد، جز گریستن از ترس خداوند عزوجل که هر قطره از آن دریاهایی از آتش را فرومی‌نشانند و اگر در میان امتی تنها یک نفر بگرید، خداوند متعال همه ایشان را مورد رحمت و بخشایش قرار می‌دهد».

منابع:

- قرآن کریم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه. محقق: غفاری، علی اکبر. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصرخسرو.
- طیب حسینی، سید محمود (۱۳۹۲). «پژوهشی در معنای واژه قرآنی "خشیت" و تفاوت آن با "خوف"». دو فصلنامه کتاب قیم، ۲۶-۷.
- میلانی، سیدمرتضی (۱۴۲۴ ق). محاضرات فی المعارف الاسلامیه، قم: دارالاسوه لطباعه و النشر.

## اعتبارسنجی روایات وسیله مسواک زدن

محمود شکوهی تبار  
دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم  
shokouhi@muq.ac.ir

### مسواک با چوب

سَهْلٌ عَنِ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ  
عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ  
حَنَانٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع  
قَالَ: شَكَتَ الْكَعْبَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ  
وَجَلَّ مَا تَلَقَى مِنْ أَنْفَاسٍ مِنَ  
الْمُشْرِكِينَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهَا قَرِي  
كَعْبَةَ فَأَنبَى مُبْدِلِكَ بِهِمْ قَوْمًا  
يَتَنَظَّفُونَ بِقُضْبَانِ الشَّجَرِ فَلَمَّا بَعَثَ  
اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ  
أَوْحَى إِلَيْهِ مَعَ جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
بِالسُّوَاكِ وَالْخِلَالِ (كليني، ۱۴۰۷ ق:  
۵۴۶/۴، ۳۲)؛ امام باقر ع فرمودند:  
كعبه در مورد (بوی بد) نفس‌های  
مشركين به خداوند متعال شكوه  
کرد. خداوند به او وحی فرستاد:  
ای كعبه! آرام باش، من عوض آنها  
جمعی را به نزد تو خواهم فرستاد  
که دهان‌های خود را با شاخه‌های  
درختان پاکیزه می‌کنند. هنگامی  
که خداوند حضرت محمد صلی  
الله علیه و آله را مبعوث فرمود با  
جبرئیل به او وحی کرد که مسواک  
و خلال کنند.

این روایت به دلیل وجود منصور بن  
العباس در سلسله سند که به ضعف او تصریح  
شده است (حلی، ۱۴۰۲ ق: ۲۵۹؛ نجاشی،  
۱۳۶۵: ۴۱۳) و نیز وجود کلمه «غیره» در سند  
که نشانه متصل نبودن سند روایت است،

در بررسی روایات مرتبط با بهداشت دهان  
و دندان به روایاتی برمی‌خوریم که از وسیله  
مسواک زدن سخن گفته‌اند. برخی به صورت  
عام به مسواک زدن با شاخه درختان اشاره  
دارند و برخی چوب تر و چوب نرم را مناسب  
مسواک دانسته‌اند. در روایاتی دیگر، به مسواک  
زدن با انگشت در شرایط اضطراری توصیه شده  
است. در بعضی دیگر، جنس چوب مسواک  
بیان شده است. روشن است که استفاده بهتر  
از این آموزه‌ها در گرو اعتبارسنجی آنهاست.

در این تحقیق، ضمن طرح روایات در ذیل  
عناوین فوق، به اعتبارسنجی آنها پرداخته  
می‌شود. در این راستا، ضمن اعتبارسنجی  
سندی آنها، تلاش شده است گامی در دیگر  
ابعاد اعتبارسنجی نیز برداشته شود که به این  
منظور، اعتبار منعی این روایات بررسی شده  
است. همچنین، تلاش شده است با تشکیل  
خانواده حدیثی در این موضوع به درک بهتر  
روایات کمک و اعتبار دلالتی آنها بررسی شود.  
قرائن پیرامونی، از جمله موارد مورد توجه در این  
مقاله است. در این نوشتار، به روایت‌هایی که  
با چند سند ذکر شده است و در چند منبع نقل  
شده توجه داده شده است و نیز به مواردی که  
یافته‌های تجربی می‌توانست به اعتبار روایات  
کمک کند، اشاره شده است.

ضعیف برشمرده می‌شود. شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه با اندکی تفاوت روایت فوق را به صورت مرسل ذکر کرده است (صدوق. ۱۴۱۳ ق: ۵۵/۱، ۱۲۵) که این روایت نیز به دلیل ارسال در سند ضعیف است. جناب برقی در محاسن هم روایت یادشده را نقل کرده است که این روایت هم به دلیل وجود «منصور بن العباس» که تضعیف شده و نیز «عبدالوهاب بن الصباح» که اطلاعاتی از او در کتب رجالی نیامده است، ضعیف به شمار می‌آید.

### مسواک با چوب تر و نرم

برخی روایات دلالت دارد که بهتر است برای مسواک زدن از چوب نرم و ملایم استفاده کرد: «قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ... فَإِذَا اسْتَاكَ الْمُؤْمِنُ الْفُطْنَ بِالنَّبَاتِ اللَّطِيفِ وَ مَسَحَهَا عَلَى الْجَوْهَرَةِ الصَّافِيَةِ زَالَ عَنْهَا الْفَسَادُ وَ التَّغْيِيرُ (منسوب به امام صادق. ۱۴۰۰ ق: ۱۲۴)؛ از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده است که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: هنگامی که مؤمن زیرک با چوب نرم و ملایم مسواک بزند و آن را بر آن گوهر پاک بمالد، تغییر و آلودگی را از دندان‌ها برطرف می‌کند (و به حالت سابق بازمی‌گردد). این روایت در کتاب مصباح الشریعه نقل شده است که درباره نویسنده این کتاب و نیز صحت انتساب آن به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ اختلافات فراوانی وجود دارد. محمدباقر مجلسی (مجلسی. ۱۴۰۳ ق: ۳۲/۱) و شیخ حر عاملی (حر عاملی. ۱۴۱۶ ق: ۵۵۰/۸) از جمله افرادی هستند که انتساب این کتاب را به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نمی‌پذیرند. امام خمینی رحمت‌الله علیه هم با اینکه از روایات این کتاب در کتب خود استفاده کرده است، اما انتساب آن را به امام قابل اطمینان نمی‌داند (خمینی، ۱۴۱۵ ق: ۴۸۱/۱). پاکتچی نیز ضمن بحث مفصلی در بازشناسی صاحب این کتاب، آن را منتسب به یکی از صوفیان خراسان، مربوط به قرن هفتم دانسته است (پاکتچی، ۱۳۸۸: ۱۲۳). سیدکاظم طباطبایی این کتاب را به دلیل مشتمل بودن آن به متون شاذ، معتبر ندانسته است. در این کتاب اصطلاحات صوفیه بیان شده است و از سران آنان مانند ربیع بن خثیم تمجید شده

و به فعل و قول آنان استناد شده است که این‌گونه سخن گفتن و استنادهای این‌چنینی در کتب حدیثی معتبر و مشهور بی‌سابقه است (طباطبایی. ۱۳۹۰: ۲۷۰). علامه مجلسی نیز از این جهت به کتاب یادشده اشکال کرده است (مجلسی. ۱۴۰۳ ق: ۳۲/۱). بیشتر روایات این کتاب یا در منابع دیگر نیست و یا در صورت وجود در انتساب آن اختلاف زیادی میان کتاب مذکور و کتب دیگر مشاهده می‌شود؛ هر چند برخی همچون شهید ثانی، فیض کاشانی و میرزا حسین نوری انتساب روایات این کتاب را به امام پذیرفته‌اند (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: رستگار جزی و همکاران. ۱۳۹۹: ۱۳۹). به‌هرحال با توجه به شواهد فوق، این کتاب از نظر منبعی از جمله کتب با اعتبار کم تلقی شده است.

### مسواک با چوب اراک

در کتاب مکارم الاخلاق می‌خوانیم: «وَ كَانَ يَسْتَاكُ كُلَّ لَيْلَةٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مَرَّةً قَبْلَ نَوْمِهِ وَ مَرَّةً إِذَا قَامَ مِنْ نَوْمِهِ إِلَى وَرْدِهِ وَ مَرَّةً قَبْلَ خُرُوجِهِ إِلَى صَلَاةِ الصُّبْحِ وَ كَانَ يَسْتَاكُ بِالْأَرَكَ أَمْرَةً بِذَلِكَ جَبْرِئِيلُ (طبرسی. ۱۴۱۲ ق: ۳۹)؛ پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هر شب سه بار مسواک می‌کرد؛ یکبار پیش از خوابیدن و یکبار چون از خواب برمی‌خاست برای ورودش و یکبار هم پیش از آنکه برای نماز صبح بیرون رود، و با چوب اراک مسواک می‌کرد که جبرئیل ایشان را بدان واداشته بود».

محققان کتاب مکارم الاخلاق را از نظر اعتبار از جمله کتاب‌های درجه دوم شیعه و تقریباً هم‌ردیف کتاب محاسن برقی ارزیابی کرده‌اند (طباطبایی. ۱۳۹۰: ۲۸۰). بنابراین، کتاب یادشده از نظر منبعی از اعتبار نسبی برخوردار است، ولی از نظر سند، روایات این کتاب بدون سند ذکر شده و مرسل هستند؛ بنابراین روایت پیش‌گفته از نظر سندی ضعیف است.

در طب الامام الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ آمده است: «... وَ اعْلَمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ أَجْوَدَ مَا اسْتَيْكَتَ بِهِ لَيْفُ الْأَرَكَ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْأَسْنَانَ وَ يَطْيِبُ النَّكْهَةَ... (منسوب به





جعفر علیهما السلام سؤال کرد: درباره شخصی که وقتی برای نماز شب برمی‌خیزد یک بار با انگشت دستش مسواک می‌کند، در حالی که بر مسواک زدن نیز قادر است. چگونه است؟ آن حضرت فرمود: اگر ترس از این دارد که صبح شود (و وقت نماز شب بگذرد) اشکالی ندارد.

نرم‌افزار درایه النور سند این روایت را با توجه به مشیخه شیخ صدوق چنین بازسازی کرده است:

سند اول: عن محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید عن محمد بن الحسن الصفار و سعد بن عبدالله جمیعاً عن أحمد بن محمد بن عیسی و الفضل بن عامر عن موسی بن القاسم البجلی و سأل علی بن جعفر أخاه موسی بن جعفر علیه السلام ... فقال ...

سند دوم: عن ابي رضي الله عنه عن محمد بن يحيى العطار عن العمرکی بن علی البوفکی و سأل علی بن جعفر أخاه موسی بن جعفر علیه السلام ... فقال ...

راویان هر دو سند امامی و ثقه هستند. بنابراین، هر دو سند این روایت صحیح است.

به لحاظ دلالتی، هرچند از شرطی که در روایت گذاشته شده است به دست می‌آید که مسواک زدن با انگشت، مخصوص زمان ضرورت است و در غیر ضرورت، مسواک زدن با انگشتان حاصل نمی‌شود، ولی با توجه به روایات دیگر که در ادامه مطرح می‌شود، می‌توان فهمید که مراد از این شرط، نفی کمال است؛ یعنی مسواک کامل که ثواب کامل را داشته باشد، در غیر ضرورت با انگشت به دست نمی‌آید؛ به دلیل اینکه در این روایات پایین‌ترین سطح مسواک، مسواک با انگشت

علی بن موسی الرضا علیه السلام. ۱۴۰۲ ق: ۵۰؛ بدان که بهترین وسیله‌ای که برای مسواک دندان به کار می‌رود چوب اراک است؛ چه دندان‌ها را جلا می‌دهد و دهان را خوشبو می‌سازد...». درباره انتساب این کتاب به امام رضا علیه السلام و نیز درباره محمدبن‌جمهور یکی از راویان این روایت اختلاف‌نظر وجود دارد. برخی آن را معتبر دانسته و برخی در اعتبارش خدشه وارد کرده‌اند. ضمن اینکه در برخی نسخه‌ها به جای لیف الاراک، «المقبضة التي يكون لها ماء؛ چوب تر» آمده است که این مسئله هم تا اندازه‌ای از اعتبار دلالتی آن می‌کاهد.

### مسواک با چوب زیتون

«وَقَالَ نَعِمَ السُّوَاكُ الزَّيْتُونُ مِنْ شَجَرَةِ مُبَارَكَةٍ وَ يَذْهَبُ بِالْحَفَرِ وَ هُوَ سُوَاكِي وَ سُوَاكُ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي... (طبرسی. ۱۴۱۲ ق: ۴۹)؛ و فرمودند علیه السلام چه خوب است مسواک از چوب زیتون، درختی بابرکت است و چرک لثه را می‌برد و آن مسواک من و پیامبران پیش از من بوده است». این روایت نیز از مکارم الاخلاق نقل شده و از نظر سند مرسل است.

در برخی روایات هم آمده است که امام از چند مسواک استفاده می‌کردند، ولی به نوع مسواک‌ها اشاره نشده است.

### مسواک زدن با انگشت

در روایات، انگشت به‌عنوان جایگزین مسواک و کمترین حد از مسواک مطرح شده است.

«وَسَأَلَ عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ أَخَاهُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ علیه السلام: عَنِ الرَّجُلِ يَسْتَاكُ مَرَّةً بِيَدِهِ إِذَا قَامَ إِلَى صَلَاةِ اللَّيْلِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى السُّوَاكِ فَقَالَ: إِذَا خَافَ الصُّبْحَ فَلَا بَأْسَ بِهِ» (صدوق. ۱۴۱۳: ۵۵/۱)

معرفی شده است (مجلسی. ۱۴۰۶ ق: ۱۷۷/۱).

در روایتی دیگر آمده است: «محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن الحسن الصفار عن إبراهيم بن هاشم عن النوفلي عن السكوني عن جعفر عن أبيه عن أبيه عن أبيهم السلام أن رسول الله ﷺ قال: التَّسْوُوكُ بِالْإِبْهَامِ وَالْمَسْبُحَةُ عِنْدَ الْوُضُوءِ سَوَاكٌ (طوسی. ۱۳۶۵: ۳۵۷/۱)؛ مسواک زدن با انگشت شصت و اشاره هنگام وضو مسواک است». این روایت به دلیل وجود سکونی که غیر امامی، ولی ثقه و مورد اعتماد علمای رجال است، موثق برشمرده می‌شود.

در کتاب کافی آمده است: «وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْنَادَهُ قَالَ: أَذَى السَّوَاكِ أَنْ تَذُلَّكَ بِإِصْبَعِكَ (کلینی. ۱۴۰۷ ق: ۲۳/۳)؛ کمترین میزان مسواک کردن این است که انگشت خود را بر دندان‌هایت بسابی». «باسناده» اشاره به سند قبل دارد و براین اساس، مراد از قال، ابی جعفر علیه السلام (امام محمدباقر علیه السلام) خواهد بود؛ بنابراین سند روایت چنین می‌شود: «علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن ابن بكير عن من ذكره عن ابي جعفر علیه السلام...». عبارت «من ذكره» نشان می‌دهد که سند روایت متصل نیست و از این جهت به لحاظ سندی ضعیف است.

از مجموع روایات به دست می‌آید که مراد روایات از مسواک زدن، مسواک زدن با چوب است و از میان انواع آن، به صورت ویژه چوب اراک و در یک روایت مرسل، چوب زیتون مطرح شده است. در این موضوع دو بحث باید مطرح شود. یکم اینکه آیا استحباب مطرح شده برای مسواک، مخصوص مسواک سنتی (مسواک چوبی که نوعاً از درخت اراک درست می‌شود) است یا به طور

مطلق شامل هر نوع مسواکی می‌شود؟ مجموع روایاتی که در چند شماره اخیر مورد بررسی قرار گرفت، به صورت مطلق به مسواک زدن توصیه و تأکید دارند و نوعاً مقید به مسواک مشخصی نکرده‌اند. از این نکته استفاده می‌شود که استحباب مسواک زدن منحصر به مسواک چوبی نیست و شامل همه انواع مسواک است؛ هر چند ممکن است مسواک‌های چوبی اراک و زیتون ویژگی‌های خاصی هم داشته باشند (فاضل لنکرانی) که اتفاقاً مراجعه به برخی تحقیقات علمی، این مسئله را تأیید می‌کند؛ برای نمونه می‌توان به مقاله علیرضا فنادی و نعیمه‌سادات داوودی با عنوان «درخت مسواک در آموزه‌های طب اسلامی، طب سنتی و دانش نوین بشری» اشاره کرد. در بخش نخست این مقاله به برخی از تفاسیر قرآن و روایات درباره درخت مسواک اشاره شده است. در بخش دوم، اهمیت چوب این درخت از منظر منابع طب و داروسازی سنتی و تجارب دانشمندان گذشته بررسی شده است. بخش آخر نیز به برخی یافته‌های جدید دانشمندان درباره خواص دارویی گیاه مسواک و مواد مؤثر اصلی آن پرداخته است که در جلوگیری از پوسیدگی دندان‌ها مؤثرند. طبق یافته‌های این مقاله با توجه به آنالیزهای فیتوشیمیایی که بر روی این گیاه انجام گرفته است، برخی مواد طبیعی موجود در این گیاه، شامل کلورور سدیم، اگزالات کلسیم، سیلیکا، فلوراید، ترکیبات سولفاته، ویتامین C و اسیدتانیک تشخیص داده شده است. افزون بر آن‌ها، ریشه گیاه دارای ترکیبات کربوهیدراته، دی‌هیدروایزوکومارین دیمرها نظیر سالوادورین، تعدادی از گلیکوزیدها و فلاونوئیدها، ساپوتین‌ها، آلکالوئید تری‌متیل آمین، استروئیدهای گیاهی نظیر بتاسیتوسترول و نیز بنزیل ایزوتیوسیانات است که هر کدام از آن‌ها نقشی ویژه در جلوگیری از پوسیدگی

دندان‌ها دارند؛ به‌عنوان مثال ویتامین C و سیستم‌های نقش‌های مهم در تقویت خون‌رسانی مویرگ‌های لثه و پیشگیری از التهاب لثه ایفا می‌کنند. همچنین ترکیبات سولفات، اسید تانیک و ایزوتیوسیانات‌ها دارای اثرات آنتی‌باکتریال هستند و نمک‌های کلسیم می‌توانند به‌عنوان ساینده و دترجنت عمل کنند (قنادی و داودی، ۱۳۹۰: ۱۱۹-۱۲۳).

منابع:

- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ ق). المحاسن. محقق: محدث، جلال‌الدین. چاپ دوم. قم: دار الکتب الإسلامية.

- پاکتچی، احمد (۱۳۸۸ ش). مباحثی در علل الحدیث به ضمیمه بازشناسی متن مصباح الشریعه. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل. قم: مؤسسه آل‌البتیة علیهم السلام.

- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۲ ق). رجال العلامة الحلی. مصحح: بحر العلوم، محمدصادق. قم: الشریف الرضی.

- خمینی، روح‌الله الموسوی (۱۴۱۵ ق). المکاسب المحرمه. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

- رستگار جزی، پرویز؛ محمدی، علی‌اصغر؛ قاسم‌پور، محسن؛ روحی، برندق کاوس (۱۳۹۹). «اعتبارسنجی اصالت انتساب در محتوای کتاب مصباح الشریعه و تأملی در مسئله تدلیس و جعل در آن». تحقیقات علوم قرآن و حدیث. ش ۲. ص ۱۳۷-۱۶۶.

- صدوق (ابن‌بابویه)، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق). من لا

یحضره الفقیه. محقق: غفاری، علی‌اکبر. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- طباطبایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۰). منطق فهم حدیث. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ ق). مکارم الأخلاق. قم: الشریف الرضی.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

- فاضل لنکرانی، محمدجواد. <http://fazellankarani.com/persian/faq>

- قنادی، علیرضا و نعیمه سادات داودی. «درخت مسواک در آموزه‌های طب اسلامی، طب سنتی و دانش نوین بشری». مجله تاریخ پزشکی. ش ۹. ص ۱۱۹-۱۳۲.

- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ق). الکافی (ط - الإسلامية). چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامية.

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶ ق). روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط - القدیمة). قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.

- محمدی، علی‌اصغر و کاوس روحی برندق (۱۳۹۹). «اعتبارسنجی اصالت انتساب در محتوای کتاب مصباح الشریعه و تأملی در مسئله تدلیس و جعل در آن». تحقیقات علوم قرآن و حدیث. ش ۲. ص ۱۳۷-۱۶۶.

- منسوب به جعفر بن محمد (امام صادق علیه السلام) (۱۴۰۰ ق). مصباح الشریعه. بیروت: اعلمی.

- منسوب به علی بن موسی‌الرضا (امام رضا علیه السلام) (۱۴۰۲ ق). طب الإمام الرضا علیه السلام (الرسالة الذهبیة). قم: دار النخيام.

- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). رجال النجاشی. تحقیق: شبیری زنجانی، موسی. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

## قاعده «اضطرار» ۲

احمد مشکوری

گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،

دانشگاه علوم پزشکی قم

a.mashkoori@gmail.com

قاعده اضطرار تنها می‌تواند حکم تکلیفی را تغییر دهد اما حکم وضعی، یعنی حقوق مربوط به دیگران و جبران خسارت و ضرر و زیان وارد شده به دیگران، پابرجا و محفوظ است.

در شماره قبل، کلیات قاعده اضطرار و دلایل فقهی اثبات آن به صورت مختصر تقدیم و گفته شد که قاعده اضطرار می‌تواند حکم اولی را تغییر دهد و محدودیت‌ها را از پیش روی مکلف بردارد. همچنین، گفته شد که این قاعده همچون دیگر قواعد شرایط و محدودیت‌هایی دارد که در این شماره بدان‌ها می‌پردازیم.

نظر برخی فقها صادق است و اگر به دلیل اضطرار ناچار به تشریح جسد (امام خمینی، ۱۳۷۲) یا سقط جنین (آیت‌الله سیستانی، بی‌تا) شدیم، حکم وضعی دیده همچنان پابرجاست.

نکته دیگر اینکه، قاعده اضطرار تنها تا حد رفع شرایط اضطرار می‌تواند حکم اولی را تغییر دهد و در صورت رفع شرایط اضطراری، حکم اولیه مجدداً جریان پیدا می‌کند (مشکوری، ۱۴۰۰).

اما خود وضعیت اضطراری هم شرایطی دارد؛ از جمله:

۱. خطر باید جدی و آسیب احتمالی شدید باشد؛ یعنی واقعاً فرد احساس کند که اگر برای نجات خود اقدام نکند، دچار آسیبی جدی و شدید خواهد شد. پس آسیب‌ها و خطرات عادی مشمول این قاعده نمی‌شوند.

۲. احتمال وقوع خطر بالا باشد؛ یعنی فرد قطعاً بداند یا احتمال زیادی دهد که به دلیل شرایط، دچار آسیب خواهد شد.

۳. ارتکاب فعل حرام باید تنها راه دفع ضرورت و نجات نفس باشد.

۴. فرد با سوء اختیار، خود را دچار اضطرار نکرده باشد؛ یعنی اگر کسی با سوء اختیار خود را به اضطرار و شرایط اضطراری دچار کند، بنا به نظر برخی

نخست باید بدانیم که احکام به دو دسته احکام تکلیفی (حلال و حرام و ...) و احکام وضعی (دیه، کفاره و ...) تقسیم می‌شوند و قاعده اضطرار تنها می‌تواند حکم تکلیفی را تغییر دهد، اما حکم وضعی، یعنی حقوق مربوط به دیگران و جبران خسارت و ضرر و زیان وارد شده به دیگران پابرجا و محفوظ است؛ یعنی اگر فردی به دلیل اضطرار برای حفظ سلامت یا جان خود ناچار شد بدون اذن و اجازه دیگری داروی او را مصرف کند، حتی اگر با جریان یافتن قاعده اضطرار حکم تکلیفی حرمت تصرف در مال دیگران از او برداشته شود، حکم وضعی جبران خسارت وارد شده به دیگری، همچنان پابرجاست و وظیفه جبران خسارت ساقط نمی‌شود (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق). همین نکته در مورد تشریح جسد یا سقط جنین نیز بنا به



منابع:

- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ ق). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی. ج ۴. ص ۱۳۸.

- مشکوری، احمد (خرداد ۱۴۰۰). ماهنامه علمی اطلاع‌رسانی دانش سلامت و دین. سال سوم شماره ۳۳. ص ۱۱. قابل‌دست‌یابی در تارنمای <https://hr.muq.ac.ir/uploads/174/2021/Jun/26/n.33.pdf>

- مکارم شیرازی، ناصر. جلسات درس خارج فقه آیت‌الله مکارم شیرازی از تاریخ ۲۱/۰۹/۱۳۹۰ لغایت 04/10/1390 قابل‌دست‌یابی در تارنمای <http://www.eshia.ir/Feqh/Archive/makarem/feqh/90>

- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۲). توضیح المسائل. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ص ۴۱۴.

- سیستانی، سیدعلی. رساله توضیح المسائل. ص ۴۷۶. قابل دست‌رسی در تارنمای <https://www.sistani.org/persian/book/50>

فقهها مشمول این قاعده و رفع حکم تکلیفی به‌وسیله آن نخواهد شد؛ البته برخی دیگر از فقها بر این عقیده‌اند که در این شرایط نیز قاعده اضطرار جاری است.

۵. ضرورت و اضطرار متوجه خود شخص باشد؛ یعنی فرد خود را در معرض آسیب و خطر ببیند و اگر آسیب یا خطر متوجه تعداد زیادی از افراد شود، ولی متوجه این شخص خاص نباشد او نمی‌تواند از قاعده اضطرار استفاده کند. به‌عبارت‌دیگر، قاعده اضطرار شخصی است نه نوعی؛ چراکه در ضرورت نوعی، شخصی که مضطر نباشد مصداق «لَمَنْ اضْطُرَّ اِلَيْهِ» نیست (مکارم شیرازی. ۱۳۹۰).

قاعده «اضطرار» نیز همچون دیگر قواعد و قوانین، مرزها و محدودیت‌هایی دارد.

## باطل

محسن رضایی آدریانی<sup>۱</sup>

دکتر مهرزاد کیانی<sup>۲</sup>

دکتر محسن جوادی<sup>۳</sup>

دکتر سعید نظری توکلی<sup>۴</sup>

دکتر محمود عباسی<sup>۵</sup>

در سه شماره پیش، درباره مفهوم «بی نتیجه بودن درمان» صحبت و قرار شد به یاری خداوند متعال، به صورت خلاصه نتایج بررسی واژه‌های قرآنی که به نظر می‌رسد با این موضوع قرابتی دارند، تقدیم شود.

سومین واژه قرآنی که به نظر می‌رسد با موضوع درمان بی نتیجه قرابت دارد، واژه «باطل» است. ماده «بطل» و مشتقات آن، ۳۶ بار در ۳۴ آیه کریمه قرآن کریم آمده است. از میان این آیات کریمه، آیه کریمه ۱۳۹ سوره مبارکه اعراف «إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَّبِعُونَ مَا هُمْ فِيهِ وَبِاطِلٍ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»، نزدیکی بیشتری با موضوع بی نتیجه گوی و مفهوم مورد بحث دارد.

واژه باطل از سه حرف اصلی «ب ط ل» است. باطل را مقابل حق (المصطفوی، ۱۳۶۸)، ناحق (افرام البستانی (مهیار)، ۱۳۷۰) و نیز نقیض حق (اصفهان‌ی ۱۳۹۲؛ ابن منظور ۱۴۱۴ ق؛ فراهیدی ۱۴۱۰ق) گفته‌اند. به آیه کریمه ۴۲ سوره مبارکه فصلت استشهد شده و باطل معادل چیزی دانسته شده است که خلاف حق باشد (طریحی، ۱۳۶۷).

در جمع‌بندی دیدگاه‌های واژه‌نامه‌های قرآنی درباره این واژه، می‌توان گفت باطل چیزی است که:

■ نقیض حق و خلاف حق باشد.

■ با حق و حقیقت هماهنگ نباشد.

■ بهره‌ای از حق و حقیقت نداشته باشد.

■ پایدار نباشد و دوام نداشته باشد.

■ به سعادت دائمی و خیر همیشگی رهنمون نشود.

■ به خیر نرسد.

■ نفع دنیایی یا آخرتی نداشته باشد.

■ نفعی را جلب نکند.

■ بهره‌ای نداشته باشد.

■ ضرری را دفع نکند.

■ ملغی شده باشد.

■ فاسد شده باشد.

■ واقعیت ندارد.

■ بی محل است.

■ غیر مشروع است.

■ منهدم و ویران گردد.

■ هلاک‌کننده باشد.

■ پوچ، بیهوده و بی نتیجه باشد.

■ با هدف، هماهنگ نیست.

■ فاسد و بی اثر باشد.

■ نادرست و ناصحیح باشد.

از این رو، در مراکز ارائه خدمات بهداشتی- درمانی نیز هر کاری که به گونه‌ای با این شاخصه‌ها تطبیق نماید، مصداق بی باطل است و باید از آن اجتناب کرد؛ مثلاً:

تجویز بیش از مقدار توصیه شده داروی مخدر، به تضعیف مرکز فرماندهی عملیات تنفس منجر می‌شود و «هلاک‌کننده» است، پس این اقدام (تجویز بیش از اندازه دارویی با عوارض خطرناک) در مراکز خدمات سلامت «باطل» خواهد بود.

وقتی درمان بیمار به جراحی نیاز ندارد و

۱- متخصص اخلاق پزشکی، استادیار، مدیر گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم

mrezaie@muq.ac.ir

۲- گروه اخلاق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳- گروه فلسفه، دانشگاه قم، قم، ایران.

۴- گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۵- گروه اخلاق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.



با درمان سرپایی بهبود می‌یابد، فریب بیمار به منظور متقاعد کردن او به جراحی، مصداقی از پیشنهادی باطل است که با «حق و حقیقت» هماهنگ نیست.

اگر بیمار یا خانواده او درباره توانمندی و مهارت خودمان یا یک فرد یا یک مؤسسه از مراکز خدمات سلامت از ما بپرسد و توانمندی بیش از آنچه هست برای او بیان شود، این کار مصداق عمل باطل است؛ زیرا «واقعیت ندارد».

یا وقتی نارسایی قلبی (heart failure) در یک فرد مسن مبتلا به بیماری‌های مزمن، همچون فشارخون بالا، قند خون بالا، چربی خون بالا و ... به اندازه‌ای پیشرفت می‌کند که امکان اقدام جراحی (مثلاً جراحی قلب باز یا ترمیم عروقی) نیست و درمان‌های طبی به عمل آمده، تغییری در سیر پیش‌رونده بیماری نداشته است، اما بیمار در وضعیت نسبتاً پایداری قرار دارد، از بستری شدن در بیمارستان سودی نمی‌برد. برای چنین بیمارانی، مراقبت ویژه قلبی (CCU- Coronary Care Unit) که ارائه آن مستلزم هزینه فراوان و به‌کارگیری نیروی انسانی متخصص است، این بستری شدن در بخش مراقبت قلبی به او «نفعی نمی‌رساند» و از او «ضرری دفع نمی‌کند». در نتیجه، این بستری کردن مصداقی از عمل باطل و نادرست خواهد بود. شایان‌ذکر است تداوم در این‌گونه بیماران با لحاظ ادامه مراقبت‌ها تحت هدایت تیم پزشکی آموزش‌دیده در خارج از بیمارستان (منزل بیمار)، چالش‌های این مورد را برطرف خواهد کرد.

برنامه‌ریزی برای برگزاری جلسه آموزشی ایمنی کار در هنگام کار با ادوات کشاورزی، ویژه مردان کشاورز روستا در ساعت ده صبح،

می‌تواند مصداق «هماهنگ نبودن با هدف» باشد. هدف از این جلسه، آموزش مردان کشاورز است، اما در این ساعت از روز، بیشتر آنان در محل کار کشاورزی هستند و این جلسه یا بی شرکت‌کننده خواهد بود یا اینکه شرکت‌کننده چندان‌ی نخواهد داشت.

تحویل داروی تاریخ‌گذشته به مراجعه‌کننده داروخانه، مصداقی از کار «فاسد و بی‌اثر» است. داروی تاریخ‌گذشته یا فاسد به بیمار آسیب جسمی می‌زند یا دست‌کم بی‌اثر است و پول به هدر می‌رود.

تصور مثال‌های بیشتر را به خواننده گرامی می‌سپاریم.

منابع:

- قرآن کریم.
- اصفهانی، راغب (۱۳۹۲). معجم المفردات الفاظ القرآن. دارالکاتب العربی.
- المصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- افرام البستانی، فؤاد (ترجمه رضا مهیار) (۱۳۷۰). فرهنگ ابجدی الفبائی عربی - فارسی: ترجمه کامل المنجد الابدی. تهران: اسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- فراهیدی، خلیل ابن احمد (۱۴۱۰ ق). العین. قم: هجرت.
- طریحی، فخرالدین ابن محمد (۱۳۶۷). مجمع البحرین. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

تجویز بیش از مقدار توصیه‌شده داروی مخدر، جراحی بی‌مورد، مبالغه در بیان مهارت و توانمندی فردی و سازمانی، بستری کردن غیرضروری، برگزاری کلاس آموزش سلامت در ساعت نامناسب، و تحویل داروی تاریخ‌گذشته به بیمار مصداقی از باطل در نظام سلامت هستند.



از حواشی و پرداختن به متن، یک ضرورت عقلانی است.

✓ در نظام سلامت و مراکز درمانی، پدید آمدن حاشیه به بیمار آسیب می‌زند. از این رو، توجه یا پرداختن به حاشیه‌ها، کارکنان نظام سلامت را از مأموریت و رسالت اصلی خودشان باز می‌دارد.

✓ بدتر از به حاشیه پرداختن، حاشیه‌سازی است. حاشیه‌سازی به هر جامعه‌ای آسیب می‌رساند و در مراکز سلامت، ناروایی آن مضاعف می‌شود. وقتی بیمار به خدمات و مراقبت نیاز دارد، همه حواشی باید کنار رود.

✓ تکلیف اخلاقی هر یک از این دو پزشک این بود که وقتی همکار او از درمان بیمار خودداری کرد، خود پیش‌قدم شود و درمان بیمار را بر عهده گیرد.

✓ در چنین مواردی، هر مسلمانی باید به این آیه کریمه قرآن کریم عمل کند که «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِزْكُوا وَاَسْجُدُوا وَاَعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَاَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»، مه‌ار ناراحتی و خشم پدیدآمده به دلیل این اختلاف، موجب می‌شد هر دو همکار جراح یا دست‌کم یکی از آنها، مسئولیت بیمار را بر عهده بگیرد.

✓ همچنین، عمل به عبارت انتهایی آیه کریمه ۷۷ سوره مبارکه حج: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِزْكُوا وَاَسْجُدُوا وَاَعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَاَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»، موجب خواهد شد هر یک از همکاران جراح با رها کردن این حاشیه‌ها، برای نجات جان بیمار که این نجات دادن مصداقی از خیر است، بی‌درنگ اقدام کند.

## تحلیل اخلاق - حقوق موارد

### ما را چنین بیمار مگذار!

محسن رضایی آدریانی  
گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،  
دانشگاه علوم پزشکی قم  
mrezaie@muq.ac.ir

#### معرفی مورد

مردادماه سال ۱۳۶۷ در یکی از شهرهای شمالی کشور، تعادل جوانی هنگام کار بر داربست چوبی به هم می‌خورد و می‌افتد. هنگام سقوط و در میانه راه به سمت زمین، تکه چوبی از داربست به قدام گردن وی فرو می‌رود و آویزان آن تکه چوب می‌شود. با کمک همکارانش به پایین آورده و به بیمارستان همان شهر منتقل می‌شود. بین دو جراح بیمارستان بر سر اینکه کدامین پزشک معالج و جراح او باشد اختلاف پدید می‌آید. اختلاف که بالا می‌گیرد هر دو از جراحی بیمار شانه خالی می‌کنند. خانواده و اطرافیان بیمار که این وضعیت نابسامان را می‌بینند با رضایت شخصی وی را مرخص و بلافاصله به خودروی پیکان استیشن خود منتقل می‌کنند. بیمار با حال عمومی نه‌چندان مساعد و با همان خودروی شخصی و در کوتاه‌ترین زمان ممکن، با طی مسافت بیش از شش صد کیلومتر به مشهد مقدس و بیمارستان قائم منتقل و در آن بیمارستان جراحی می‌شود و پس از مدتی بهبود می‌یابد، اما تأخیر در درمان، آسیب‌هایی برای وی بر جای می‌گذارد.

#### تحلیل مورد

✓ اختلاف و کشمکش بین کارکنان نظام سلامت، یک حاشیه به شمار می‌آید. دوری



در موقعیتی که بیمار به پزشک دیگری دسترسی ندارد، پرداختن به درمان بیمار از منظر اخلاقی، فقهی و حقوقی نادرست و نارواست.

✓ اگر اصل عدالت (از اصول چهارگانه اخلاق پزشکی) را در بیان امیر بیان، امیرالمؤمنین علی علیه السلام ببینیم که «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا» (نهج البلاغه. خطبه ۴۳۷)، بالین بیمار هرگز جای تسویه حساب شخصی با همکار یا دیگران نیست، حتی اگر کسی استدلال کند که این اختلاف، تسویه حساب شخصی نیست و بلکه تمرکز این اختلاف، درمان بیمار است باز هم پاسخ می دهیم که اولویت، به تأخیر نیفتادن درمان بیمار است و جمع بندی اختلاف پدیدآمده و تعیین مقصّر باید به زمانی دیگر موکول شود.

دیگر اصول اخلاق پزشکی (به ویژه سودرسانی) و اخلاق حرفه ای (به ویژه نوع دوستی) حکم می کند وقتی حال بیماری نامساعد است، تمرکز همه کارکنان نظام سلامت، به ویژه پزشکان بر درمان و بهبود وی باشد و به او توجه کنند. در این حال، باید همه حواشی کنار رود و تمرکز فکری و عملی همکاران بر درمان به موقع و کامل بیمار باشد.

منابع:

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه. خطبه ۴۳۷.
- مولانا (بلخی، جلال الدین محمد). بی تا. دیوان شمس. غزلیات، غزل ۱۰۴۱ قابل دستیابی در <https://ganjoor.net/moulavi/shams/ghazalsh/sh1041>
- بیگی هریاغ، حمزه و کلانتری، کیومرث (۱۳۹۸). «مبانی فقهی و حقوقی قتل ناشی از ترک فعل در حقوق ایران با نظر داشتی بر نظام حقوقی کامن لا». مجله پژوهش های فقه و حقوق اسلامی. ۱۶ (۵۸): ۵۱-۵۷.
- پورجوهری، علی (۱۳۸۴). «آنانازی یا مرگ از روی ترحم از منظر دینی». پژوهش های فقه و حقوق اسلامی. (۳): ۱۰۹-۱۱۸.

✓ لزوم و ضرورت اخلاقی رها نشدن بیمار در ادبیات غنی کشور عزیزمان هم دیده می شود؛ مثلاً مولوی در غزل ۱۰۴۱ گفته است:

طیبی بلک تو عیسای وقتی  
مرو ما را چنین بیمار مگذار

✓ در فقه تشیع، فعل یا ترک فعلی که موجب آسیب به بیمار یا مرگ او شود، مجاز نیست (پورجوهری. ۱۳۸۴).

✓ در قوانین موضوعه کشورها و کشور عزیزمان هم ترک فعلی که به بیمار آسیب برساند یا برای وی خطر جانی ایجاد کند، جرم انگاری شده است (بیگی هریاغ و کلانتری. ۱۳۹۸) که یکی از مصادیق آن «قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی» است که سال ۱۳۵۴ و پیش از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی مصوب شد و پس از انقلاب هم شورای محترم نگهبان قانون اساسی بر اجرای آن صحه گذاشت. روشن ترین مصداق آن، ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی است که می گوید: «هرگاه کسی فعلی که انجام آن را بر عهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد جنایت حاصل به او مستند می شود و حسب مورد عمدی، شبه عمدی، یا خطای محض است؛ مانند اینکه مادر یا دایه ای که شیر دادن را بر عهده گرفته است، کودک را شیر نهد یا پزشک یا پرستار وظیفه قانونی خود را ترک کند».

## سلامت و بیماری

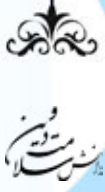
صادق یوسفی

مرکز تحقیقات سلامت معنوی،

دانشگاه علوم پزشکی قم

syoosefee@muq.ac.ir

yoosefee@gmail.com



است. بنابراین، سلامت یک حالت پیش‌فرض است و در این حالت فرد از خدمات پزشکی استفاده نمی‌کند. این تصورات از بیماری و سلامت بی‌گمان در بحران کیفیت مراقبت نقش داشته است. با فرو کاهیدن بیمار به بخشی از بدن، اغلب رنج و نگرانی‌های وجودی بیمار نادیده گرفته می‌شود و پزشک با رویکرد زیست‌پزشکی به آن توجهی نمی‌کند.

در رویکرد انسان‌گرایانه تلاش می‌شود به رنج و نگرانی‌های وجودی بیمار، به‌عنوان بخشی از تجربه بیماری، در روند درمان پرداخته شود. در این مدل، سلامت یک حالت پیش‌فرض نیست، بلکه اغلب با توجه به بهزیستی فرد یا Sickness با واژه‌های با بار مثبت تعریف می‌شود. دغدغه این پزشکان تنها نبود بیماری نیست، بلکه اتخاذ شیوه‌ای از زندگی است که از نظر جسمی و هم ذهنی و نیز از نظر روحی باعث ارتقاء سلامت فرد شود. افزون بر این، تمایز بین مدل‌های زیست‌پزشکی و انسان‌گرایانه در سلامت و بیماری ذهن نیز در صورت لزوم، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

طبق مدل زیست‌پزشکی، ماهیت بیماری و همچنین سلامت را می‌توان از نظر مادی و فیزیکی تعریف کرد. به گفته مارشال مارینکر<sup>۱</sup> «در مورد بیماری، عینیتی وجود دارد» که پزشکان باید بتوانند آن را ببینند، لمس کنند، بسنجند و حتی بپایند. بیماری، که علت آن را می‌توان با تحقیقات علمی و تشخیص بالینی مشخص کرد، حالتی عینی و واقعی است که به یک موجودیت یا حالت مادی یا فیزیکی فروکاهش

در این شماره به تأملات فلسفی پیرامون مفاهیم سلامت و بیماری پرداخته می‌شود. در توجیه اهمیت آن باید گفت که اگرچه فلسفه نمی‌تواند به درمان بیماری بپردازد، با این حال چنین تأملاتی دست‌کم می‌تواند از انتساب نامناسب بیماری به بیمار جلوگیری کند. دو رویکرد طبیعت‌گرایانه و هنجارگرایانه در زمینه مفهوم سلامت و بیماری وجود دارد.

از نظر طبیعت‌گرایان، بیماری (Disease) و سلامت (Health) مفاهیمی توصیفی هستند که می‌توان برای تعریف وضعیت عینی و واقعی یا حالت یک شخص به کار برد. این مفاهیم نسبت به ارزش‌های شخصی یا اجتماعی فرد کاملاً خنثی هستند، اما از نظر هنجارگرایان، این مفاهیم به ارزش‌های فردی و اجتماعی بستگی دارد. از این رو، هنجارگرایان برای تعریف حالت یا وضعیت ذهنی یا ساختاری یک شخص، اغلب از اصطلاحاتی مانند بیماری و بهزیستی (Wellbeing) استفاده می‌کنند. به‌طور کلی، پزشکان با رویکرد زیست‌پزشکی از مفاهیم طبیعت‌گرایانه درباره بیماری و سلامت دفاع می‌کنند، در حالی که پزشکان با رویکرد انسان‌گرایانه از مفاهیم هنجارگرا درباره بیماری و بهزیستی حمایت می‌کنند.

در کشورهای صنعتی غرب، مدل زیست‌پزشکی مسئول مفاهیم غالب بیماری و سلامت در عمل طبابت است. بیماری به‌عنوان بدکارکردی یا از دست دادن بخشی از بدن شناخته می‌شود؛ در حالی که سلامت با نبود وضعیت بیماری تعریف می‌شود و اگر بیماری آشکار وجود نداشته باشد یا نیازی به درمان نباشد، فرد سالم

۱ Marshall Marinker

در رویکرد انسان‌گرایانه تلاش می‌شود به رنج و نگرانی‌های وجودی بیمار، به‌عنوان بخشی از تجربه بیماری، در روند درمان پرداخته شود.

کارکرد هر قسمت، اندام یا سیستم بدن مشخص می‌شوند. ناخوشی‌ها... شخص را به‌عنوان شخص کامل درگیر می‌کنند و مجموعه‌ای از اختلال کارکردها، احساسات بدنی و محسوسات بیمار هستند که به‌وسیله آن‌ها افراد خود را ناخوش می‌پندارند. مواجهه پزشکان با بیماری نباید منحصرأ به‌عنوان یک موجودیت عینی بلکه با شخص بیمار باشد: «آنچه پزشک به دنبال آن است؛ یعنی موجودیت بیماری، در واقعیت ملموس وجود ندارد؛ بلکه صرفاً یک انتزاع بدون وجود مستقل است. تنها چیزی که پزشک می‌تواند روی آن کار کند (پارادوکسی برای علم پزشکی)، فرد بیمار است». در شماره‌های آتی، بیشتر به این مباحث پرداخته می‌شود.

منبع:

-Marcum, J. A. (2008). Humanizing modern medicine :an introductory philosophy of medicine) Vol .(99 .Netherlands :Springer.

می‌یابد.

این تصور فروکاهنده از بیماری در فرهنگ لغات پزشکی نیز دیده می‌شود؛ به‌عنوان مثال در بیست و ششمین ویرایش فرهنگ لغت استدمن<sup>۲</sup>، اولین تعریف بیماری چنین است: «وقفه، توقف یا اختلال در کارکردها، سیستم‌ها یا اندام‌های بدن». حتی بیماری‌های ذهنی یا رفتاری به واکنش‌های بیوشیمیایی و فیزیولوژیک مغز تقلیل می‌یابد. به گفته انگل<sup>۳</sup>، «جزم زیست‌پزشکی»، مستلزم این است که در همه بیماری‌ها، ازجمله بیماری‌های «ذهنی»، اختلال در مکانیسم‌های فیزیکی اموری زیربنایی تصور شود. این مفهوم بیماری در مدل زیست‌پزشکی غالب است و بر مفهوم سلامت اثر می‌گذارد. همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، سلامت، حتی سلامت ذهنی، تنها یک حالت پیش‌فرض نشان‌دهنده نبود بیماری است.

درحالی‌که پزشک با رویکرد زیست‌پزشکی به حالت بیماری بیمار توجه دارد، پزشک با رویکرد انسان‌گرایانه با بیماری بیمار و رنج‌های ناشی از آن ابراز همدردی می‌کند. کاسل براین‌اساس بین بیماری و ناخوشی (Illness) تمایز قائل می‌شود: «بیماری‌ها ... موجودیت‌های خاصی هستند که با اختلال در ساختار یا

<sup>۲</sup> Stedman's Medical Dictionary

<sup>۳</sup> Engel



معرفی کتاب

## فقه درمان

کتاب «فقه درمان» اثر آقای محمدعلی قاسمی، در سال ۱۳۹۵ از سوی مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام در ۴۴۰ صفحه به چاپ رسیده است.

از سویی، تحولات و پیشرفت‌های چشمگیر علوم و فناوری در عصر کنونی موجب پدید آمدن گستره‌های متعدد و نوینی شده است که بیش‌ازپیش نیازمند اجتهاد عمیق در فقه هستند. از سوی دیگر، با استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی، مسائل به‌طور بیشتر و با اهمیت دوچندان، پیش روی فقه و نظام حکومت اسلامی مطرح شده‌اند که اقتضا دارد مباحث و احکام مربوط به آن‌ها در چهارچوبی منسجم و نظام‌مند تبیین و عرضه شوند.

از گستره‌های پر ابتلا و بااهمیت، حوزه پزشکی با قلمرو گسترده آن است. «فقه درمان»، نوشتاری ارزشمند و علمی است که نگارنده ارجمند با دقتی ستودنی، مباحث مطرح در فقه درمان را با روش اجتهادی فراهم آورده است که بی‌گمان گامی مهم در ارتقای مباحث فقه پزشکی و نوشتاری مفید برای دانشوران و پژوهشگران این حوزه به شمار می‌آید.

از ویژگی‌های گفتنی این کتاب، موضوعات بررسی‌شده در آن است که دارای اهمیت، تازگی و کاربردی فراوان است؛ مباحثی همچون

حکم فقهی معاینه، نگاه به بدن بیمار و لمس آن، نقش اذن بیمار در معاینه و درمان، جایگاه معاینات در اثبات جرم، حکم فقهی درمان، درمان با محرّمات، انرژی‌درمانی، استفاده از داورهای زیان‌بار، و احکام اجرت پزشک و کادر درمانی.

در واقع، این پژوهش تنها از منظر فقهی به موضوع و مسائل مرتبط با آن پرداخته است؛ زیرا تعیین تکلیف پزشکان و بیماران و همراهان آنان در مسائل پیش رو، از آن جهت برای مسلمانان اهمیت بیشتری دارد که آنان سعادت خویش را در یافتن وظیفه شرعی و عمل به آن می‌دانند.

زهرای علایی طباطبایی  
دانشکده سلامت و دین

## امشب

بحمدالله که با دلدارم امشب  
به تحفه آمده از کوی جانان  
بود در آستان کعبه عشق  
نشینم در حضور یار و بینم  
نشینم در حضور یار و گویم  
بخوانم سوره قدر و دخان را  
شب جمعه است و ده جمعی نگارا  
چهل بگذشت و یکسالم فزون است  
ز حال خویشتن اندر شگفتم  
ز بی‌تابی خود در این سحرگه  
تو خود آگاهی ای دانای احوال  
گاهی خاموش و گاهی در خروشم  
خداوندا به حق آیت نور  
خداوندا به مستان جمالت  
خداوندا به حق هشت و چارت  
شب حال است و نی جای مقال است  
اگر از آملی پرسی که چونی

ز بخت خویش برخوردارم امشب  
برات وعده دیدارم امشب  
همه بیدار و من بیدارم امشب  
فروغ مطلع انوارم امشب  
هر آن حرفی که در دل دارم امشب  
بگویم ذکر و استغفارم امشب  
ز فرق و کثرت پندارم امشب  
ز دیده اشک و حسرت بارم امشب  
چرا دلشاد و دل‌افگارم امشب  
چه گویم در چه کار و بارم امشب  
که من اندر چه گیرودارم امشب  
گاهی مست و گاهی هشیارم امشب  
جلایی ده به جان تارم امشب  
نما در عشق خود ستوارم امشب  
بحل فرما به هشت و چارم امشب  
بنبدم دفتر اشعارم امشب  
هزار زار در گلزارم امشب